

بصیرت

علیہ
السلام

حضرت فاطمہ

چاپ دوم



۲



اصغر طاہر زادہ



بصیرت فاطمه زهرا علیها السلام

در ریشه‌یابی آفات حذف حاکمیت دینی از مدیریت جهان

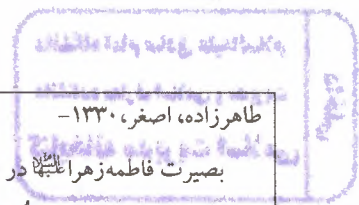
شرح خطبه حضرت فاطمه علیها السلام در مسجد مدینه

و

شرح خطبه حضرت فاطمه علیها السلام با زنان مهاجر و انصار

اصغر طاهرزاده

۱۳۸۶



طاهرزاده، اصغر، ۱۳۳۰ -

بصیرت فاطمه زهرا علیها السلام در ریشه یابی آفات حذف حاکمیت دینی از مدیریت جهان /
طاهرزاده، اصغر. - اصفهان: لب المیزان، ۱۳۸۶.

۴۴۰ ص.

ISBN: ۹۷۸-۹۶۴-۹۶۳۸۹-۲-۸

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا

کتابنامه به صورت زیرنویس.

۱- فاطمه زهرا (س)، ۱۳ قبل از هجرت - ۱۱ق - خطبه ها - نقد و تفسیر. ۲- فاطمه
زهرا (س)، ۱۳ قبل از هجرت - ۱۱ق - خطبه ها. الف. عنوان. ب. عنوان: شرح و تحلیل
خطبه حضرت فاطمه (س) در مسجد مدینه

۲۹۷/۹۷۳

BP۲۷/۲۲/ط۲ب۶

۳۳۳۶۹ - ۸۴ م

کتابخانه ملی ایران

بصیرت فاطمه زهرا علیها السلام

اصغر طاهرزاده

نوبت چاپ: دوم

چاپ: پردیس

تاریخ انتشار: ۱۳۸۸

لیتوگرافی: شکیا

قیمت: ۴۴۰ تومان

حروف چین: گروه فرهنگی المیزان

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

ویراستار: گروه فرهنگی المیزان

طرح جلد: گروه فرهنگی المیزان

صحافی: سپاهان

کلیه حقوق برای گروه المیزان محفوظ است

مراکز پخش:

۱- گروه فرهنگی المیزان

تلفن: ۷۸۵۴۸۱۴ - ۳۱۱

۲- دفتر انتشارات لب المیزان

همراه: ۰۹۱۳۱۰۴۸۵۸۲

فهرست مطالب

مقدمه	۱۱
روش ما در ویرایش این کتاب	۱۳
مقدمه نویسنده	۱۷
خطر حاکمیت آدمیان بر یکدیگر	۲۳
فرازهای کلی خطبه	۲۸
نگاهی به سوی آسمان معنویت	۳۴
ریشه اصلی فاجعه	۳۷
عقل بشر به جای وحی؟!۱	۴۰
حاکمیت انسان بر انسان به جای حاکمیت خدا بر انسان	۴۳
اعتراضی در حال شعف الهی	۴۶
اهل البیت و علم به فلسفه احکام	۵۱
وظیفه امت پس از پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small>	۵۵
مقام قرآن و چگونگی دستیابی به آن	۵۷

۶ بصیرت فاطمه زهرا (علیها السلام)
۵۸ چگونگی استفاده از قرآن بعد از رسول خدا (صلی الله علیه و آله)
۶۰ ترلز در تصمیم گیری
۶۱ توجه فاطمه (علیها السلام) به جایگاه قرآن
۶۸ فلسفه احکام
۷۲ فلسفه امامت اهل البیت در بین جامعه اسلامی
۷۹ علت افراط و تفریط در دین
۸۷ نقش حضرت علی (علیه السلام) در ایجاد اسلام
۹۱ اسلام؛ دین آینده جهان
۹۲ ناامیدی در اردوگاه شرک
۹۶ فاطمه (علیها السلام) ماوراء تاریخ
۹۸ خلوص؛ شرط احیاء دین
۱۰۰ راز عزت و ذلت ملت ها
۱۰۸ روش حضرت علی (علیه السلام)
۱۲۱ لرزش در ساختمان نو بنیاد اسلام
۱۲۳ پاکبازی علی (علیه السلام)، عامل پیروزی و شرط بقاء اسلام
۱۲۵ چگونگی حضور نفاق در جامعه
۱۴۲ مبنای انحراف
۱۴۶ به بهانه فرار از فتنه، در فتنه اید
۱۴۸ عامل لرزش رأی عمومی
۱۵۵ جدایی از قرآن؛ عامل جدایی از حاکمیت معصوم
۱۵۷ شرط بهره بردن از قرآن
۱۵۹ چه کنیم که ائمه (علیهم السلام) با ما حرف بزنند؟
۱۶۲ تحرک عنصر نفاق پس از رحلت رسول خدا (صلی الله علیه و آله)

۷ فهرست مطالب
۱۶۴ هشدار برای ورود فرهنگ نفاق در جامعه
۱۶۷ جنگاوری که تزکیه نکرده اند
۱۶۹ به بهانه دفع فتنه، در فتنه اید
۱۷۵ چگونه به قرآن پشت کردند
۱۸۳ افشای حیلۀ بزرگ
۱۸۵ این همه طاقت
۱۸۷ طرح فدک؛ سند دعوتی برای بازخوانی صدر خلافت
۱۸۹ حساسیت بر انحراف بزرگ
۱۹۰ انتهای فاجعه
۱۹۱ عجیب و غیرمنتظره بود
۱۹۲ نتیجه هماهنگی با حساسیت فاطمه زهرا (علیها السلام)
۱۹۴ انفجار بمب در قلب اسلام
۱۹۶ خطری که فاطمه زهرا (علیها السلام) گوشزد نمود
۱۹۷ علت سعه وجودی امام خمینی «رحمة الله علیه»
۱۹۸ ریشه ضعف امروزین اسلام؟
۱۹۹ راه نجات؟
۲۰۳ سقیفه و انتخاب آزادا
۲۰۶ حساب فاطمه زهرا (علیها السلام) را نکرده بودند
۲۰۹ در نهایت صدای فاطمه زهرا (علیها السلام) جهان اسلام را متأثر می کند
۲۰۹ نقشه قبلی برای خاموش کردن نور دین
۲۱۱ سخنان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در مورد علی (علیه السلام) را نشنیده گرفتند
۲۱۵ این توهین به پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیست؟
۲۱۷ پایداری تاریخی

جایگاه فدک در خطبه فاطمه زهرا (علیها السلام)	۲۱۸
رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله) بهانه سستی مجاهدان نیمه کاره	۲۲۵
حکومت دینی؛ حاصل تدبیر در قرآن	۲۲۷
وقتی جامعه بی ثمر می شود	۲۳۰
مسئله فدک و عدم آگاهی خلیفه از حکم خدا	۲۳۲
اثبات انحراف پیش آمده در حاکمیت	۲۳۴
تمایز شدن جبهه حق از باطل	۲۴۳
ریشه بصیرت فاطمه (علیها السلام)	۲۴۴
ای یاران دیروز اسلام، چرا نشسته اید؟	۲۴۶
هان ای انصار! چه جای سکوت؟	۲۴۸
دین خدا که رحلت نکرده!	۲۵۵
خطر بسته شدن راه های آسمان	۲۶۲
فاطمه (علیها السلام) با همه تاریخ سخن می گوید	۲۶۳
خطر بی تفاوت شدن مجاهدان دیروز	۲۶۷
هان ای گروه انصار	۲۷۰
در هر شرایطی باید مسلمان بود	۲۷۲
حیله برگشت به ایران باستان	۲۷۶
چگونه به حکم خدا پشت شد	۲۸۱
آن گاه که اسلام ضعیف می شود	۲۸۲
نظر به افق های دور	۲۸۳
خطابه ای به همه تاریخ	۲۸۵
نامادری ها به جای مادر	۲۸۶
چرا فدک را عمده می کنیم تا پیام فاطمه زهرا (علیها السلام) را نشنوم؟!	۲۸۸

چه شد روح حماسی مسلمانان؟!	۲۸۹
انقلاب اسلامی تا قیام قیامت ادامه دارد	۲۹۰
جبهه ای که فاطمه (علیها السلام) گشود	۲۹۲
چه کسی می تواند عامل وحدت باشد؟	۲۹۴
فاطمه (علیها السلام)، بنیانگذار نهضتی که هنوز ادامه دارد	۲۹۹
مسئولیت جهانی شیعه	۳۰۲
انقلابی ماندن هنر است	۳۰۲
پشت پا زدن به زحمات دیروز	۳۰۵
ریشه طمع به حذف علی (علیه السلام)	۳۰۸
آینده جهان اسلام	۳۱۰
پشت شتر خلافت زخم دارد	۳۱۲
راهی که فاطمه (علیها السلام) گشود	۳۱۸
با نام اسلام، ولی غیر اسلام	۳۲۱
فاطمه (علیها السلام) انتهای کار را می نگرد	۳۲۳
فاطمه (علیها السلام) و نجات تاریخ از بن بست	۳۲۵
حاکمیت خط فاطمه (علیها السلام) به کل جهان	۳۲۷
ظهور حکومت شیعه	۳۲۹
ریشه عدم بصیرت روشنفکران ما نسبت به دشمن	۳۳۰
ریشه حاکمیت یزید	۳۳۴
وقتی حاکمان از باطن قرآن آگاهی ندارند	۳۳۶
فاطمه (علیها السلام) در گذرگاه تاریخ	۳۴۱
معنی انتظار فاطمه (علیها السلام)	۳۴۴
سخنی با برادران اهل سنت	۳۴۶

شرح خطبه حضرت فاطمه (علیها السلام) با زنان مهاجر و انصار	۳۴۹
فاطمه (علیها السلام)، عامل شکستن جو خفقان سقیفه سازان	۳۵۱
شرایط تاریخی ایراد خطبه	۳۵۶
کالبدشکافی حادثه	۳۵۸
زشتی کندی شمشیرها	۳۶۰
عوامل اضمحلال جامعه	۳۶۴
راز خواری مسلمانان	۳۷۲
فاطمه (علیها السلام) مقام شعور و صبر	۳۷۹
جایگاه تاریخی اشک های فاطمه (علیها السلام)	۳۸۳
فاطمه (علیها السلام) جو خفقان را می شکند	۳۸۷
خطر حذف کارشناسان اسلام	۳۸۹
علت اصرار علی (علیه السلام) بر حاکمیت خود	۳۹۳
آینده جهان از آن فاطمه (علیها السلام) است	۳۹۷
آنگاه که نظام ارزشی جامعه فرو می ریزد	۴۰۲
ریشه سرگردانی بشر	۴۰۴
بازگشت از ایمان به کفر	۴۰۷
فاطمه (علیها السلام)، تجسم شعور و صبر	۴۱۳
اگر زهرا (علیها السلام) سکوت کرده بود!	۴۱۸
فاطمه (علیها السلام) حافظ پیام غدیر	۴۱۹
اعتراض حکیمانه	۴۲۳
اعتراض بلند ولی خاموش	۴۲۴
فاطمه (علیها السلام) راه هدایت آینده جهان اسلام	۴۳۰

مقدمه

باسمه تعالی

خطبه حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) در مسجد مدینه پس از حاکمیت ابابکر و زیر پا گذاشتن پیام غدیر، یک دائرة المعارف عقیدتی، کلامی و سیاسی است که حکایت از بینش توحیدی و سیاسی دختر پیامبر (علیه السلام) دارد. همچنان که سخنران محترم تأکید دارد «فاطمه (علیها السلام) بنیانگذار نهضتی است که هنوز ادامه دارد». یعنی فاطمه (علیها السلام) در مقابل جریان‌هایی که پیام غدیر را زیر پا گذارد، جبهه‌ای را گشود که بالاخره اسلام را به مسیر خود برمی گرداند و به همین جهت شعار حضرت مهدی (علیه السلام) چون ظهور فرماید، عبارت است از «وَفِي آيَةِ رَسُولِ اللَّهِ لِي أَسْوَةٌ حَسَنَةٌ»^۱ یعنی؛ الگو و اسوه من در این راه و دختر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) است.

سخنران محترم در تحلیل خطبه حضرت فاطمه (علیها السلام) نخواسته است واقعه‌ای را شرح کند که اتفاق افتاد و از دست رفت، بلکه همان‌طور که در سایر آثار ایشان مشهود است، شنونده و خواننده و گوینده، همه و همه در آن حادثه حاضر می‌شوند و با یک نگاه حضوری مسئله تحلیل می‌گردد و نه یک نگاه غایبانه و صرفاً ناظر بر حادثه. گویا ما هستیم که با روح فاطمی سخن می‌گوییم و فاطمه (علیها السلام) سوز دل ما را بر زبان می‌آورد.

امید وافر داریم با مطالعه این کتاب، همان‌طور که إن شاء الله و به نور حضرت فاطمه (علیها السلام) بینشی دقیق نصیب ما گردد، عزمی جدید و جدی نسبت به فرهنگ دینداری در ما به وجود آید و رمز پایداری در دین برایمان معلوم گردد.

فاطمه (علیها السلام) با آن تیزنگری خاص که فرهنگ توحیدی اسلام به آن حضرت داده به‌خوبی آفت عدم حاکمیت معصوم را می‌فهمد و می‌فهماند و جایگاه اعتراض خود را روشن می‌کند، که بحث نه بحث حاکمیت شخص خلیفه اول است و نه شخص دیگر. بحث، بحث حاکمیت فرهنگی است که ارتباط بشر را از آسمان قطع کرده و چنین بشری دیگر نمی‌تواند زندگی خود را به ثمر برساند و گرفتار دیوارهای تنگ و سیاه زمین می‌گردد و معنی زندگی زمینی خود را گم خواهد کرد، شاید هنر سخنران محترم در نشان دادن این نکته مهم در عمق خطبه حضرت فاطمه (علیها السلام) باشد و اگر به‌واقع این نکته اساسی برای بشر امروز روشن شود، همه چیز برایش روشن شده است.

روش ما در ویرایش این کتاب

شاید در ابتدا انتظار عزیزان این باشد که مباحث کتاب به صورت یک مقاله علمی که عموماً هم معمول است، ارائه شود. ولی همچنان که ملاحظه می‌نمایید به دلایل زیر تلاش شده است در ویراستاری متن کتاب فضای گفتاری آن حفظ شود.

۱- فرق متون دینی با مقاله‌های صرفاً علمی این است که متون دینی - از جمله این کتاب - باید علاوه بر آن که جنبه اطلاع‌رسانی داشته باشد، جنبه حضوری و بازی گرانه مخاطب خود را نیز حفظ کند، زیرا هدف دین تربیت انسان است و نه آموزش او، و جایگاه باورهای دینی قلب انسان است و نه ذهن او. در این روش است که انسان، متذکر و متأثر می‌گردد و مطالب دینی، او را در تغییر رفتار یاری می‌کند، و لذا باید ارتباط حضوری متون دینی با مخاطب خود حفظ شود و آنچه توسط سخنران در حالت حضور بیان شده است با همان حال و هوا به صورت نوشتار در آید تا همان سیر و سفر حضوری در قلب خواننده محقق گردد.

۲- در دریافت "حصولی" از واقعیات به هیچ‌وجه پیوندی میان ما و واقعیات برقرار نمی‌شود و آن‌هایی که عادت کرده‌اند در حد آگاهی از واقعیات، متوقف شوند انتظار دارند در موضوعات مورد بحث، یک مقاله شسته و رفته خدمتشان عرضه شود، ولی ما تلاش می‌کنیم عقل و قلب مخاطب، در محضر خود حقیقت قرار گیرد و از پرتو مقدس آن بهره‌مند گردد و این کار با علم حصولی نسبت به حقایق مقدس، ممکن نیست. آری «زگوهر سخن گفتن آسان بود» ولی آن را یافتن و در حضور آن

قرار گرفتن و از تَلَوُّ آن بهره‌مند گشتن، راه دیگری می‌خواهد، آن‌هم راهی که بس طولانی است، راه سیر از مفهوم وجود، به سوی خود وجود، راهی که عارف در وصف آن می‌گوید:

رهرو منزل عشقیم و ز سر حدّ عدم تا به اقلیم وجود این همه راه آمده‌ایم

۳- خصوصیات متون دینی می‌طلبد که یک نحوه «از خویش برون آمدن» را در پی داشته باشد، تا عزم عمل در خواننده شعله‌ور شود که گفت:

شهر خالی است ز عشاق، بود کز طرفی مردی از خویش برون آید و کاری بکند به تعبیر دیگر در متون دینی رابطه «من - تویی»^۲ بین خواننده و متن برقرار است یعنی انسان با کل وجود خود با متن مرتبط می‌شود و درون رابطه قرار می‌گیرد.

۴- متون بزرگ دینی که منشأ تحول در اقوام و ملل شده و می‌شود چیزی جز مخاطبه و محاوره متقابل گوینده با خواننده نیست، آن‌هم با ارائه انبوه مثال‌ها. مسلّم مولوی بنا ندارد در مثنوی و یا در دیوان شمس تبریزی اطلاعات خود را با خواننده در میان بگذارد، بلکه تلاش او این است که راهی در مقابل مخاطب خود بگشاید و او را نسبت به خود فعال نماید. لذا نمی‌تواند به نحوه دیگری غیر از نحوه‌ای که مثنوی یا دیوان شمس را ارائه داده است، سخن بگوید و اگر حسام‌الدین چلبی سایه به سایه مولوی اشعار او را می‌نویسد، حالت مخاطبه و محاوره متقابل آن‌ها را نیز حفظ می‌کند، و به همان اندازه که انسان دارای ابعاد گوناگون و تو در توست، باید

مولوی هم - که انسان را مخاطب خود قرار داده است - تو در تو حرف بزند، هر چند تصور بهیضی در ابتدای امر این باشد که مثنوی نظم ندارد و مولوی پراکنده سخن گفته است؛ مگر انسان سنگ است که یک وجه داشته باشد و عقل و خیال و عاطفه و فطرت او هر کدام بر دیگری تنیده نباشد؟

حتماً مستحضرید که تفسیر قیم المیزان نیز حاصل محاوره و مخاطبه علامه طباطبائی «رحمة الله علیه» با شاگردان خاص ایشان در شب‌های جمعه در منزلشان و روزهای چهارشنبه در مدرسه حجت بود و حضرت علامه «رحمة الله علیه» حاصل آن مخاطبه و محاوره بینایی را با وسعت بیشتر تدوین نمودند و همین موجب می‌شود که در خواندن آن تفسیر گرانقدر حالت حیات و «از خویش برون آمدن» در خواننده ایجاد شود.

از همه مهم‌تر خود قرآن است که سراسر محاوره و مخاطبه با خواننده خود است و آن‌هم محاوره‌ای با ابعاد گوناگون و با شخصیت تو در تو انسان - انسانی که عقل و خیال و عاطفه و فطرت او تماماً بر هم تنیده شده است - به طوری که هر کس می‌خواهد با قرآن به عنوان یک کتاب علمی صرف برخورد کند - و نه کتاب به باور کشیدن روح و قلب انسان - ممکن است سؤال کند که چرا مثلاً داستان حضرت موسی (علیه السلام) را این همه پراکنده و هر وجه آن را در جایی گفته است؟ از نظر چنین فردی شاید قرآن نظم یک مقاله علمی را نداشته باشد، ولی اگر متوجه شد قرآن کتاب تربیت است و هر لحظه با تمام ابعاد انسان سخن می‌گوید و در مثال حضرت موسی (علیه السلام) در هر موقعیتی وجهی را پیش می‌کشد که مربوط به همان وجه مخاطب

۲ - تعبیر «من و تو» برگرفته از نام کتاب مارتین بوبر نویسنده اتریشی است.

قرآن است و بقیه وجوه در فضای محاوره و مخاطبه‌ای دیگر باید به میان آید، می‌فهمد که قرآن به اندازه انسان منظم است.

۵- وقتی مجموعه‌ای از سخنرانی‌های استاد طاهرزاده به صورت نوشتار درمی‌آید ایشان پس از بررسی آن، حذف و اضافاتی را اعمال می‌نمایند تا خوانندگان محترم بتوانند بیشترین استفاده را ببرند و لذا چون بعضاً مطالب مفصلی به بحث اضافه شده است ممکن است در هنگام مطالعه کتاب احساس شود در بعضی از قسمت‌ها حالت سخنرانی بودن بحث تغییر کرده است، که از آن گریزی نیست. ولی به طور کلی چون معتقدیم هدف متون دینی تربیت انسان است و نه صرفاً آموزش او و جایگاه تربیت قلب است و نه ذهن، سعی شده است تا حد امکان فضای محاوره‌ای محفوظ بماند.

گروه فرهنگی المیزان

مقدمه نویسنده

باسمه تعالی

۱- به طور مسلم انبیاء و اولیاء علیهم السلام محورهای اصلی سیاست‌های سالم بشری هستند و این امر هیچ استثنایی نخواهد داشت. عمده آن است که سیاست‌مداری اولیاء خدا را از سیاست‌بازی اهل دنیا تفکیک کنیم، چرا که اگر سیاست‌مداری یعنی ایجاد نقش مفید در سرنوشت اجتماعی انسان‌ها، بیشترین تعیین نقش در تاریخ را باید به انبیاء و اولیاء علیهم السلام داد و هرگز نباید در تحلیل مواضع و سخنان آن بزرگان از این منظر غفلت نمود.

۲- از جمله حرکات نقش‌آفرین در تاریخ، نقش فاطمه زهرا علیها السلام پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله است که علاوه بر حرکات و گفتارهای آن حضرت در مواقع مختلف که هر کدام عامل کنترل انحرافی و یا جهت‌گیری مهمی در صدر اسلام شده است، خطبه آن حضرت در مسجد مدینه یک «آثار المعارف از دقت‌های عقیدتی، سیاسی، تاریخی، جامعه‌شناختی است، به طوری که انسان نسبت به دقت‌های آن حضرت حیران می‌شود و به‌واقع

حضرت زهرا (علیها السلام) در این خطبه - در آن شرایط خاص - جبهه‌ای را در راستای انحراف به وجود آمده پایه‌گذاری کردند و جهتی را نشان دادند که امام عسکری (علیه السلام) در این رابطه فرمودند: «نَحْنُ حُجَجُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَ جَدَّتْنَا فَاطِمَةُ حُجَّةٌ عَلَيْنَا»^۱ یعنی؛ ما (امامان) حجّت‌های خدا بر مردم هستیم، - تا راه را از بیراهه نشان دهیم - و جدّه ما فاطمه، حجّت است بر ما.

و حضرت مهدی (علیه السلام) نیز در اولین سخن خود پس از ظهور می‌فرمایند: «وَفِي آيَةِ رَسُولِ اللَّهِ لِي أَسْوَةٌ حَسَنَةٌ»^۲ یعنی؛ اسوه و راهنمای من در این نهضت، دختر رسول خدا است. و این سخن نشان می‌دهد نظامنامه حکومت جهانی مهدی (علیه السلام) مبتنی بر سیره فاطمه (علیها السلام) است.

۳- تمام تلاش این کتاب برای روشن نمودن مسائلی است که فاطمه (علیها السلام) در جهت‌گیری اصلی خود مقابل ظهور انحراف در صدر اسلام به کار برده است و راهی را به بشریت عرضه نموده است که به ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) منتهی خواهد شد.

دقت‌ها و تحلیل‌های فاطمه زهرا (علیها السلام) در ریشه‌یابی انحراف و شناخت آن، در نهضت اسلامی، برای امروز ما بسیار کارساز است. امید است خوانندگان عزیز با حوصله زیاد و دقت فراوان نسبت به جزء جزء مطالب عنایت داشته باشند تا ان شاء الله بتوانند از دختر خانه توحید (علیها السلام) بینش سیاسی صحیحی را اخذ کنند که در همه مراحل زندگی به کارشان آید.

۱- «تفسیر الطیب البیان»، ج ۱۳، ص ۲۲۳.

۲- «بحار الانوار»، ج ۵۳، ص ۱۸۰.

۴- مسلم دیانت از سیاست جدا نیست، ولی آن سیاستی که منشأ اعمال حکیمانه شود و در هر مرحله‌ای از تاریخ بهترین موضع‌گیری را انجام دهد، مخصوص اهل البیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) است و ما معتقدیم با دقت هر چه بیشتر در جملات حضرت زهرا (علیها السلام) در دو خطبه مطرح شده در این کتاب معنی سیاست‌مداری واقعی و اصیل را دریافت خواهیم کرد.

۵- فاطمه (علیها السلام) به جهت قداستی که در نزد قاطبه جهان اسلام دارد می‌تواند منشأ وحدت جهان اسلام گردد. چون وقتی جوانان اهل سنت متوجه شوند که فاطمه‌ای که رضایتش میزان رضایت رسول الله (صلی الله علیه و آله) و رضایت خدا است^۳، چگونه در صدر اسلام، پس از رحلت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به عنوان مخالف جریان موجود، موضع‌گیری می‌کند؟ به فکر فرو می‌روند و مسلم در نگاه و نظر خود به وقایع صدر اسلام تجدید نظر می‌نمایند، و ما در جای جای کتاب برای چنین هدفی مدارکی را از متون اهل سنت ارائه داده‌ایم و معتقدیم فاطمه (علیها السلام) می‌تواند در ابتدا محور تقریب مذاهب اسلامی قرار گیرد و در نهایت به عنوان تنها قرائت صحیح از اسلام، موجب ظهور اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله) در سراسر جهان اسلام گردد و در راستای چنین قرائتی از اسلام، عزت اسلامی به جهان اسلام باز گردانده خواهد شد.

۶- یک روز وظیفه شیعیان عبارت از آن بود که مواظب باشند در فضیلت‌های گسترده اسلام اهل سنت هضم نشوند و لذا سعی می‌شد با موضع‌گیری و انتقاد به اسلام اهل سنت خود را نگهدارند، ولی در قرن

۳- «صحیح بخاری»، طبع مطبعه امیریه بولاق، سنه ۱۳۱۲، ج ۷، ص ۳۷.

اخیر قضیه شکل دیگری به خود گرفته و آن این که: اولاً؛ شیعه و سنی هر دو وظیفه دارند اسلام را از خطر هضم شدن در فضای سکولار مدرنیته حفظ نمایند و ثانیاً؛ امروز وظیفه شیعیان به جای مقابله با اهل سنت ارتباط فعال با آنهاست تا کمالات و دقایق مکتب تشیع را به گوش جوانان اهل سنت برسانند. امروز دیگر خطر هضم تشیع از بین رفته است ولی وظیفه شیعه برای احیاء فرهنگ اهل البیت (علیهم السلام) باقی مانده است، و شرط موفقیت در این امر مهم پرهیز جدی از هر گونه حرکتی است که موجب اختلاف شود تا بتوانیم در یک گفتگوی فرهنگی حقانیت اهل البیت (علیهم السلام) را به گوش برادران خود برسانیم و سخن حضرت زهرا (علیها السلام) که فرمود: «وَإِطَاعَتُنَا نِظَامًا لِلْمِلَّةِ وَإِمَامَتُنَا أَمَانًا لِلْفِرْقَةِ» امت اسلامی با اطاعت از ما منسجم می شوند و با قبول امامت ما از تفرقه مصون می مانند، محقق شود.

۷- امروز اگر جوانان اهل سنت از خود پرسند چرا جهان اسلام از آن شایستگی که باید داشته باشد عقب افتاده است، ما آنها را به خطبه حضرت زهرا (علیها السلام) در مسجد مدینه راهنمایی می کنیم، آن جایی که حضرت به نحوه ای بسیار روشن از چنین فاجعه ای خبر دادند و روشن نمودند اگر به ابی الحسن برگردید عزت دنیا و آخرت خود را باز خواهید یافت. پس از توجه دادن جوانان به خطبه حضرت زهرا (علیها السلام) منتظر می مانیم تا جوانان اهل سنت به کمک فاطمه (علیها السلام)، واقعه صدر اسلام را بازخوانی کنند و لذا است که ما در ارائه مطالب در عین این که به شیعه نظر داشته ایم، گوشه چشمی نیز به غیر شیعه داریم، امید است که این کار شروع خوبی باشد.

۸- چیزی که تأکید بر آن را ضروری می دانم؛ قدرت تحلیل درست مسائل اجتماعی است. متأسفانه جهان روشنفکری و فرهنگ ژورنالیستی آن چنان ملاک های خود را در تحلیل مسائل حاکم کرده است که گویا نگاه دیگری برای تحلیل حادثه ها وجود ندارد و عملاً طلاب و دانشجویان عزیز ما در پيله های تحلیل های مادی گرایانه جهان معاصر گرفتار آمده اند. یکی از اهداف اصلی این کتاب آشنا کردن عزیزان است با تحلیل های سیاسی، دینی که در آنها ملاک های دیگری نیز مورد توجه است و انتظار داریم عزیزان بر اساس همین موضوع، مطالب کتاب را دنبال نمایند. امید است خوانندگان عزیز پس از اتمام کتاب در فضایی از تجزیه و تحلیل مسائل قرار گرفته باشند که فاصله بین تحلیل های دینی با تحلیل های سیاسی صرف به خوبی برایشان روشن شده باشد.

۹- وقتی نور اسلام - تنها دینی که نورش هنوز با تحریف و انحراف خاموش نشده بود - پس از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله) به شدت ضعیف شد، دیگر سراسر تاریخ را ظلمت فرا گرفت و «دین» به جای وسیله تعالی انسان ها، وسیله رام کردن مردم در مقابل نفس اماره حاکمان گشت. و اگر در خطبه حضرت فاطمه (علیها السلام) دقت بفرمایید، آن حضرت در سخنانش به ما می آموزد چگونه تاریخ را ارزیابی کنیم و مرز بین ظلمات و نور را تشخیص دهیم.

۱۰- با ظهور اسلام زمینه تولد بشر فراهم گشت. بشری که اولاً؛ با شوق حضور، نظر به آسمان دارد و می خواهد با عالم قدس تماس بگیرد. ثانیاً؛ با «الله» یعنی با اسم جامع الهی می خواهد آشنا شود، تا بتواند تمام اوصاف متعارض با اوصاف الهی را بشناسد و ظلمات آخرالزمان را که

همه حجاب‌های ظلمانی را به صحنه می‌آورد، پاره کند. ولی با حذف اهل البيت (علیهم السلام) که صورت تامّ چنین حضور و چنین مقصدی بودند، همه چیز واژگون شد و ما بیش از هزار سال است که در واژگونی اسلام به سر می‌بریم، و با برگشت جهان اسلام به فاطمه (علیها السلام) این واژگونی هرچه سریع‌تر تغییر خواهد کرد، و ظهور انقلاب اسلامی شروع مبارک آن برگشت است و مایه امیدواری، که گویا تاریخ در حال تغییر مسیر است و امروز بیش از دیروز فاطمه (علیها السلام) نقش آفرین خواهد بود. و همچنان که مقام معظم رهبری «حفظه الله تعالی» فرمودند: در عین تأکید بر حقانیت غدیر هرگز نباید واقعه غدیر را وسیله اختلاف بین شیعه و سنی نمود، سخنان فاطمه زهرا (علیها السلام) نیز نباید وسیله اختلاف بین جهان اسلام شود، بلکه باید رهنمود و هشیارباشی برای احیاء هرچه بیشتر جهان اسلام باشد. إن شاء الله

طاهرزاده

خطر حاکمیت آدمیان بر یکدیگر

حضرت فاطمه علیها السلام

بنیانگذار نهضتی است

که هنوز ادامه دارد، او با

ارائه خطبه‌های خود جبهه‌هایی را گشود

تا پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله اسلام

و حاکمیت اسلام در تاریخ گم نشود و آرام آرام

معنی خود را بیابد و جبهه‌ای که او گشوده

هم اکنون در حال پیشروی است.



گروه فرهنگی المیزان

WWW.LOBOLMIZAN.IR

ISBN 964963892-X



9 789649 638928